

چینی‌ها دارند، نسبتی با دگرگونی‌ها و فعل و انفعالات مادی در اقتصاد، در صنعت و در فضای بزرگ میان دولت‌ها ندارد؟ اقتصاد سرمایه‌داری برای نزدیک به یک قرن به‌رغم بحران‌های متعددی که با آن دست به‌گریبان بوده، هیچ وقفه‌ای نداشته است. چرا؟ چون شکل‌بندی‌های تکنولوژیک، ابزار تولید، سازمان تولید، نیروی تولید، روابط تولید و مانند این‌ها، هرچند فرازوفرودهایی داشته، اما همچنان هژمونیک است. اینجا بحث هژمونی بسیار مهم است. وقتی نگاه یک دولت معطوف به هژمونی است، آن دولت این قابلیت را دارد که زنجیره‌های متقاطع‌ی از بازیگران، ابزارهای قدرت و الگوی کنش تعاملی را شکل دهد که زمینه ظهور نشانه‌هایی جدید از آگاهی جهانی را فراهم می‌سازد. متقاطع است، اما یکپارچه و تحت سلطه یک هژمونی واحد. ما این وضعیت نامرئی اقتصاد و سیاست جهانی را آن‌طور که واقعاً هست نمی‌بینیم و آن را به موجودیتی تحت عنوان «آینده» نسبت می‌دهیم. این در حالی است که حتی مانوئل کاستلز که جهان معاصر را شبکه‌ای ادراک می‌کند، در «شبکه‌های خشم و امید» درباره جنبش‌های اجتماعی جدید می‌گوید، درست است که ظاهراً این جنبش‌ها رهبری، ایدئولوژی و سازمان مرئی ندارند، اما اگر واقعاً رهبری و هژمونی نداشتند، قابلیت‌های بالقوه‌ای که در ذهن جامعه جدید وجود دارد، عینیت پیدا نمی‌کند.

در همین ناآرامی‌های اخیر کشور، اگر آگاهی اجتماعی با موج‌های مربوط به آگاهی ساختاری در نظام بین‌الملل هماهنگی پیدا نمی‌کرد، هیچ‌گاه قادر نبود تا موج جدیدی از روندهای ضدساختار را در ایران شکل دهد. مگر کم قالب‌های ذهنی پیشرو بوده که فرسوده شده و به محاق رفته است؟ مسئله مهم این است که یک دولت (state) باید پشتیبانی کند و یک قالب تحول تکنولوژیک باید در کار باشد تا جامعه شبکه‌ای را ذیل یک virtuality مشخص، سازمان داده باشد برای اینکه یک جنبش اجتماعی شکل بگیرد. همین بحث درباره وضعیت جهانی هم صادق است. ما فکر می‌کنیم چیزی شبیه یک مه‌بانگ (Big Bang) رخ داده است که خودبه‌خود و با یک دست نامرئی، مثلاً زنجیره ارزش جهانی شکل گرفته است. اما آن دولت قوی (strong-state) را نمی‌بینیم که استقرار این نظم را پشتیبانی و هدایت کرده و می‌کند. وضعیت جهان شبکه‌ای به این دلیل وجود دارد که میان دولت‌های بزرگ توافقی به این منظور شکل گرفته است. توافق میان دولت‌ها با خودش یک نظام آگاهی هم ساخته است که البته من معتقدم بخش عمده آن، «آگاهی کاذب» است که تعارضاتی را که واقعاً میان دولت‌ها وجود دارد می‌پوشاند؛ بنابراین دولت (state) همچنان اصل پیش‌برنده است، اما حتماً مدارهای

حسین سلیمی:
وقتی درون ساختار
معنایی شبکه‌های
کنش جهانی
قرار نداشتند یا کنار
گذاشته شده‌اید،
حتی چینی‌ها و
روس‌هایی که
می‌خواهید با گرایش
به آن‌ها یک جایگاه
جدید در نظام
جهانی پیدا کنید،
امکان کنش با شما
را ندارند و به جز در
موارد خاص، حفظ
موقعیت خود در
نظام جهانی را به
ارتباط با ما ترجیح
می‌دهند.